

## نوسان قیمتهای نفت و بازار ارز در اقتصاد ایران

دکتر حسن حیدری، کارشناس اقتصادی

### جهان صنعت

سوال اساسی که معمولاً در اقتصادهای نفتی مطرح می‌شود، این است که چگونه باید بخشهای داخلی اقتصاد را از نوسانات بازار نفت حفاظت کنیم. نوسانات بازار نفت از چند مسیر بر بخشهای داخلی اقتصادهای نفتی اثرگذار است: بودجه دولتها، بازار ارز و واردات. با این حال، این سه مسیر را باید در یک مجموعه دید، چرا که میزان واردات از درآمدهای نفتی و نرخ ارز نیز متاثر است و از سویی دیگر معمولاً دولتهای نفتی برای تدوین بودجه خود قیمتهای نفت و نرخ ارز را به عنوان هدف (و یا حداقل پیش‌بینی) در نظر می‌گیرند. بازار ارز به این دلیل که پل ارتباطی بین دنیای خارج و اقتصاد داخلی است، اهمیتی حیاتی و مهم دارد. نحوه مدیریت بازار ارز می‌تواند در شرایط مشابه، نتایجی متفاوت در پی داشته باشد.

در تحقیقی که توسط صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۷ انجام شد، نشان می‌دهد که افزایش ۱۰۰ درصدی در قیمتهای حقیقی نفت (یعنی با کسر نرخ تورم دلار از افزایش قیمت نفت) موجب می‌شود که نرخ حقیقی دلار بر حسب پول ملی کشورهای صادرکننده نفت ۵۰ درصد کاهش یابد.<sup>۱</sup> این به معنی کاهش رقابت‌پذیری تولیدات این کشورها در مواقع افزایش درآمدهای نفتی است. این کاهش نرخ حقیقی ارز بسته به نظام ارزی کشورهای نفتی و نحوه مدیریت آن می‌تواند از طریق افزایش قیمتها یا از طریق کاهش نرخ اسمی ارز نمایان شود.

در کشورهایی که نظام ارزی انعطاف‌پذیر دارند، این کاهش از طریق کاهش نرخ اسمی دلار صورت می‌گیرد، اما در کشورهایی که نرخ ارز ثابت دارند یا اینکه نرخهای ارز به میزان زیادی کنترل می‌شوند، این تعدیل از طریق افزایش قیمتهای داخلی (تورم) نمایان می‌شود. اما تعدیل شوکها از طریق نرخهای ارز هزینه‌های اقتصادی-اجتماعی به مراتب کمتری خواهد داشت تا تعدیل از طریق افزایش قیمتهای داخلی و تورم.

با توجه به این اصل که جلوگیری از نوسان نرخ ارز و کنترل آن در کشورهای نفتی می‌تواند به قیمت پذیرش تورم تمام شود، این اصل سیاستی قابل حصول است که بانکهای مرکزی و دولتها در این کشورها نباید قصد کنترل این بازار را داشته باشند، به گونه‌ای که بازار از روند طبیعی و بلندمدت خود منحرف شود. در ایران، بر اساس قیمتهای روزانه ارزهای مهم (که در سایت رسمی بانک مرکزی قابل دسترس هستند) بین سالهای

---

<sup>1</sup> Lee, Milesi-Ferretti, and Ricci (2007).

۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ شمسی، متوسط ضریب تغییرات سالانه ارزشهای مهم بین‌المللی به این صورت بوده است، یورو ۵/۶۷ درصد، یکصدین ژاپن ۷/۰۴ درصد، پوند انگلیس ۵/۸۷ درصد و دلار آمریکا ۲/۸۲ درصد.

نگاهی به ضریب تغییرات نرخهای ارز طی سالهای اخیر نشان می‌دهد که نرخ دلار در برابر ریال تحت کنترل بیشتری بوده و اساساً نوسان عمده‌ای در بازار دلار به چشم نمی‌خورد، گرچه در سال ۱۳۹۰ نوسانات این ارز به میزان زیادی افزایش یافته است، با این حال در مقایسه با سایر ارزشهای معتبر جهانی، نوسان سالانه آن به طور متوسط پایین‌تر بوده است. در واقع این موضوع نشان‌دهنده حساسیت بیشتر مقامات پولی در ایران به نرخ برابری دلار در برابر ریال است. می‌توان دو دلیل عمده را برای این حساسیت برشمرد. اولاً، الزامات بودجه‌ای دولت و تاثیراتی که نوسان بیشتر دلار بر درآمدهای ریالی دولت (که از طریق فروش درآمدهای ارزی حاصل می‌شوند) باعث می‌شود که کنترل بیشتری بر بازار دلار اعمال شود و ثانیاً ترس از تورم وارداتی به دلیل افزایش نرخ دلار. البته باید توجه کرد که به دلیل سهم حدود ۸۰ درصدی درآمدهای نفتی، بازار ارز بیشتر تحت کنترل دولت است، اما دولت نباید این بازار را به گونه‌ای مدیریت کند که در بلندمدت نرخهای ارز از نرخهای تعادلی آن تفاوت قابل توجهی داشته باشند. به این دلیل که هر چه تعدیلات لازم در بازار ارز به تعویق افتد، هزینه تعدیل (به شکل تغییرات شدید و همراه با شوک در بازار ارز) نیز افزایش می‌یابد و این موضع اثرات مخرب بیشتری بر جای خواهد گذاشت. در واقع با نگاهی به تغییرات بازار ارز در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، می‌توان گفت که اگر دولت از چند سال پیش از آن، نرخ ارز را بر اساس متغیرهای اصلی اقتصاد ایران مانند نرخ تورم، رشد اقتصادی، توان رقابت محصولات داخلی و نرخهای بازدهی دارایی‌های ریالی تعدیل می‌کرد، شاید اتفاقات سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در بازار ارز رخ نمی‌داد یا حداقل شدت آن کاهش می‌یافت.